

آیین نخل آرایونخل گردانی روز عاشورا در ششتمد

محمد‌همایون سپهر^۱

مهدی عسگری^۲

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی مراسم نخل‌آرایی و نخل گردانی و درک اشخاص بومی به جا آورنده این آیین به عنوان بخشی از مراسم عاشورا به روش مردم‌نگاری تفسیری است. بدین منظور و با هدف شناخت عمیق‌تر آیین نخلبندی و نخلگردانی، از روشهای مردم نگارانه مشاهده مستقیم، مصاحبه عمیق، توصیف و تفسیر و هم چنین از اطلاعات ذخیره شده توسط افراد محلی برای کمتر شدن خطاها استفاده شده است. ابتدا در بحث مفهومی به مرور مباحث اندیشه گیرتز پرداختیم. نتایج این تحقیق نشان میدهد که نخل‌آرایی و نخلگردانی مناسکی مردانه است به طوری که زنان حضوری بسیار کم‌رنگ در آن دارند. یافته‌ی مهم دیگر این پژوهش این است که علی‌رغم این که نخل‌آرایی و نخلگردانی مربوط به مراسم محرم و عزاداری است نگاه زیباشناختی به نحوه آرایش نخل جایگاه مهمی در این مراسم دارد که از این حیث زنان نقش مهمی در تأمین مصالح لازم به ویژه پارچه های رنگارنگ دارند.

واژگان کلیدی: نخل آرای، نخل گردانی، مردم نگاری تفسیری، ششتمد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ - عضو هیأت علمی گروه مردم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد مردم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، نویسنده مسؤل Maskari32@gmail.com

آدمی از دیرباز اگر چه به تفکر در مورد هستی میپرداخت اما بخشی از این هستی خود او بود که نظرش را جلب میکرد. فیلسوفان اجتماعی از همان آغاز، انسان را موجودی اجتماعی میدانستند و بنابراین به تأمل در وجه اجتماعی او میپرداختند. سقراط، افلاطون و ارسطو هر یک به نحوی به تحلیل شرایط اجتماعی زندگی بشر پرداختند. ارسطو به تحلیل مناسک موجود در دولت‌شهرهای یونان از جمله هنرهایی مثل تراژدی و کمدی به عنوان بخشی از فرهنگ همت گماشت. هر چند تلاش او با توجه به مصالح فکری زمانه از سنخ فلسفی بود.

انسانشناسی جدید به عنوان دانشی که به فرهنگ جوامع انسانی میپردازد به شناخت هر چه غنیر از جوامع بشری کمک زیادی کرده است. با رشد هر چه بیشتر ادبیات انسانشناختی، تمرکز و توجه انسانشناسان و قومشناسان بر مناسک اجتماعی افزایش یافت (دورکیم، ۱۳۸۳: ۵۴) که حیات اجتماعی انسان اولیه را در دین جستجو میکرد و مناسک را یکی از دو ستون دین در کنار عقاید تلقی میکرد.

جامعه‌ی ایران در حال حاضر تغییرات عمیق و فراگیری را به خاطر نفوذ هر چه بیشتر فرایند نوسازی تجربه میکند. قرار گرفتن در معرض فرهنگ و تمدن غرب، خود موجب تغییراتی میشود که بخشی از میراث گذشته ما را نیز به سرعت دچار دگرگونی میکند. حال آن که پذیرش تجدد و راه رشد و توسعه بدون شناخت گذشته‌ی فرهنگی، راه دشواری را فراروی ما مینهد. شناخت هویت فرهنگی و قابلیت‌های موجود در آن به منظور تسهیل حرکت به سمت آینده ضرورتی است که امروز بیش از همیشه احساس میشود. بخش مهمی از این هویت تاریخی - فرهنگی که باید ثبت و ضبط شود مربوط به مناسکی است که در اجتماعات محلی در جریان است و البته اخیراً راه تغییر و تحول را در پیش گرفته است.

مراسم محرم در ایران ریشه‌ی تاریخی عمیقی دارد به نحوی که حتی به نظر برخی صاحب‌نظران عناصر اسطوره‌شناختی مربوط به ایران باستان نیز در آن حضور دارد. بخشی از این مراسم که کل جامعه ایران هر چند به شیوه‌های گاه متفاوت برگزار میکنند مراسم نخلگردانی است. این مراسم ویژه‌ی مناطق مرکزی و حاشیه‌ی شرقی کویر ایران و منطقه‌ی خراسان میباشد.

شهر ششتمد از توابع شهرستان سبزوار در استان خراسان رضوی یکی از محله‌هایی است که هر سال مراسم نخلگردانی برگزار میشود. هدف از این پژوهش، بررسی مراسم نخلآرایی و نخلگردانی به عنوان بخشی از مراسم عاشورا با تأکید بر جایگاه و نقش زنان در این مراسم، به روش مردم‌نگاری تفسیری است. برای این

منظور، به مصاحبه با اهالی و افراد برگزارکننده و مشارکت کننده در مراسم در طول دوره‌ی برگزاری آن در ایام محرم پرداخته شد.

بنابر این هدف از این پژوهش، ثبت و ضبط آیین نخلبندی و نخلگردانی در شهر ششتمد و بررسی جایگاه زنان با استفاده از فیلمها و عکسهایی که در مراسم عاشورا، بین سالهای ۱۳۸۷-۱۳۹۱ تهیه شده و مصاحبه با افرادی که این آیین را برگزار میکنند می توان به شناخت عمیقتر از این آیین و همچنین به قول کلیفورد گیرتز^۲ به درک ادراک کنشگران در این محل پی برد.

با توجه به این که هدف این تحقیق شناخت عمیقتر آیین نخلآرایی و نخلگردانی از طریق توصیف، مصاحبه و تفسیر میباشد، از روش مردم نگاری با فنون مشاهده مستقیم و مصاحبه عمیق و همچنین از اطلاعات ذخیره شده توسط افراد محلی برای کمتر شدن خطاها استفاده شده است.

چارچوب نظری

در میان اندیشمندان علوم اجتماعی ماکس وبر^۳ با ملاحظه‌ی فهم تفسیری (تفهم) در علوم اجتماعی، نگاه الگو واره جدیدی را در عرصه علوم اجتماعی باز گشود. در تفهم آنچه اصالت دارد، دید و نگاه افراد مورد مطالعه به جای مشاهدهگر است. در این حالت نوعی فهم همدلانه یا مشارکتی از پدیده‌های اجتماعی اتفاق میافتد (محمدپور و ایمان، ۱۳۷۸: ۶۲). محقق به دنبال فهم و درک معنایی است که مردم به دنیای اجتماعی خود می دهند که این امر از طریق فهم همدلانه یا مشارکتی قابل دستیابی است.

انسانشناسی تفسیری

انسانشناسی تفسیری را باید دنباله‌های از انسانشناسی دینی دانست که در آن دین یکی از نظامهای معنایی فوقالعاده مهم در هر فرهنگی است. بحث در این انسانشناسی، در واقع آن است که شبکه‌های معنایی

^۲Clifford Geertz

^۳Max weber

چگونه از خلال نمادها شکل میگیرند و چگونه با یکدیگر ارتباط برقرار میکنند و چه فرایندهایی را برای درک محیط و جهان بیرونی برای فرد و گروه ایجاد میکنند (فکوهی، ۱۳۸۱: ۲۵۴-۲۵۵).

در مجموع تأکید بر معنا و تعبیرهای نشانه شناختی از پدیدههای فرهنگی و انسانی، پویایی و جوشش خاصی به انسانشناسی در گرایشهای جدیدش داده است. انسانشناسی تفسیری در تداوم انسانشناسی فرهنگی آمریکایی با نام کسانی چون گیرتز، ترنز^۴، داگلاس^۵ و ... پیوند خورده است که «البته در شکوفایی و جوشش کنونی پژوهشهای انسان شناختی کنونی نمیتوان نام صاحباندهیهای را با عنوان یک رهبر فکری مطرح کرد، تنها نام استثناء، شاید کلیفورد گیرتز باشد که نام او به مکتب انسانشناسی تفسیری پیوند خورده است (ریویر، ۱۳۸۱: ۲۱۸).

منبع عمدهی افکار نظری گیرتز درباره دین، مقاله‌اش با عنوان "دین به عنوان یک نظام فرهنگی" (۱۹۶۶) است که در آن، بعد فرهنگی دین را تحلیل میکند. او به دین به عنوان بخشی از نظام فرهنگی نگاه می‌کند. مقصود او از فرهنگ «الگویی از معانی است که در راستای تاریخ انتقال مییابد و از طریق نمادها تجسم پیدا میکند و یا نظامی از مفاهیم است که به انسانها به ارث میرسد و به صورتهای نمادین بیان میشود» (همیلتون، ۱۳۸۱: ۲۷۴-۲۷۵). به گفته گیرتز، دین به منزلهی بخشی از یک فرهنگ، با نمادهای مقدس و کارکردهای آنها سر و کار دارد، «تا روحيات آدمها، یعنی آهنگ خصلت و کیفیت زندگی، سبک اخلاقی و زیباییشناختی و حالت زندگی آنها را با جهانبینیشان، یعنی همان تصویری که از واقعیت عملکرد اشیاء دارند و فراگیرترین اندیشههای آنها دربارهی نظم، ترکیب کند» (همان: ۲۷۳-۲۷۴). بنا به تعریف گیرتز، دین عبارت است از نظامی از نمادها که کارش استقرار حالتها و انگیزشهای نیرومند، قانع کننده و پایدار در انسانها، از طریق صورتبندی مفاهیمی از نظم کلی جهان و پوشاندن این مفاهیم با چنان هاله‌های از واقعیت بودگی است که به حالتها و انگیزشها بسیار واقعینانه به نظر آیند (همان: ۲۷۴-۲۷۵).

دین میکوشد تا تجربههای بشر از نابرابری و بیعدالتی را نمادین کند، دین بر آن است تا نشان دهد که این واقعیتها تنها به ظاهر وجود دارند و اگر انسان نظر گستردهتری به آنها داشته باشد، در مییابد که حتی

⁴Turner

⁵Douglas

همین بیعدالتیها نیز الگوی معنیداری دارند. شیوهی رایج در توجیه این واقعیتها، این است که بیعدالتیها در این جهان با دادگری در جهان دیگر جبران خواهند شد (همان: ۲۷۷). در نهایت گیرتز معتقد است که انسان شناس باید به جای آن که از خلال تقلیلگرایی و تعمیمدهیهای خودسرانه به نتیجهگیریهای نادرست برسد، خود را به درک جزئی از پهنه های کوچک و قابل دسترسی محدود کند و کار خود را نه یک کار کامل، بلکه تنها بخشی کوچک از مجموعه های بزرگ به شمار آورد که به تدریج شکل خواهد گرفت (فکوهی، ۱۳۸۱: ۲۵۷).

یافتهها

در این قسمت به یافتههای تحقیق که با فنون مشاهده، یادداشتهای میدانی و مصاحبه جمعاوری شده اند میپردازیم.

آیین نخل آرای و نخل گردانی

یکی از بارزترین، مهمترین، پرشورترین و مفصلترین مراسم آیینی در میان شیعیان جهان، آیینهای عزاداری ماه محرم، به خصوص در دههی اول این ماه موسوم به دههی عاشورا است که به مراسم جزئیتر تقسیم میشود. شیعیان جهان به خصوص شیعیان ایران در مراسم آیینی عزاداری محرم، صندوقها و دستگاہهایی را به شکل ضریح، هودج و عماری میآرایند و در گذرها و محلهها میگردانند. معروفترین چنین مراسمی، نخل گردانی است که در آن دستگاہی بزرگ و حجیم به نام نخل را میآرایند و به نام تابوت امام حسین(ع) در ایام محرم به خصوص روز عاشورا میگردانند (سعیدی، ۱۳۸۶: ۱۲-۱۱).

نخل و رسم نخلگردانی در سراسر ایران و در تمام خردهفرهنگهای ایرانی - شیعی شناخته شده و معمول نبوده است. حوزهی جغرافیایی - فرهنگی که در آن مراسم نخلگردانی از دیر باز و بیش از حوزههای دیگر رواج داشته، حوزهی فرهنگ کویری در شهرها و آبادیهای کویرنشین و حاشیهای کویر ایران بوده است. در این حوزهی وسیع جغرافیایی نیز، نخلگردانی بیشتر در یزد، تفت، نائین، ایبانه، کاشان، میبد، سمنان، زواره و آبادیهای پیرامون آنها، اهمیت و شکوه فراوان داشته است (بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۵۷).

نخل را با انواع پارچه، شال و ترمه میآرایند، و در روزهای عزا مخصوصاً عاشورا آن را طی آدابی بر دوش میکشند و همراه عزاداران در شهر میگردانند و در پایان مراسم به جای اولش که معمولاً تکیهای است برمی گردانند. شواهدی آشکار و پنهان در نخلگردانی وجود دارد که نشان میدهد ادامهی سیاوشان می باشد. در

بررسی مراسم سیاوشان بر دیواری از کاخ پنجکند دیدیم که سوگواران اتاقی چادر مانند را که پیکر سیاوش و سه تن از عزاداران در آن است، بر دوش میکشند. اتاق دارای پنجرههایی است که پیکر سیاوش و عزاداران از آنها پیدا است. شکل شبکه‌دار نخل و وجود پنجره‌های کوچک فراوان در آن، یادآور همان اطاق چادرمانند است (حصوری، ۱۳۷۸: ۱۰۵).

ساختن شبیه شهیدان و تابوتهای تمثیلی شهیدان و آیین حمل آنها در دستهای عزا در فرهنگ ایران پیشینه‌ی دراز دارد. نمونه‌ی برجسته و معتبر آن آیین سوگواری سالانه‌ی مرگ سیاوش و حمل و گرداندن تابوت اوست (بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۱۳).

اشیاء و لوازم

همه‌ی اشیاء و لوازمی که در مراسم نخل‌آرایی یا همان آرا کردن نخل به کار میرود عبارتند از:

اسکلت آهنی، ریسمان پنبه‌ای، درای یا همان زنگوله‌ی فلزی، پارچه‌های رنگارنگ که شامل چندین رنگ سبز، آبی (نقرآبی)، قرمز، زرد، سفید، سیاه در طرحها و اندازه‌های مختلفاند، نخ، سوزن و سنجاق، تیغهی فلزی و چوبی، گل پلاستیکی، میوه (انار و سیب)، عکس (تمثال) و آینه.

تعریف نخل

دهخدا (ذیل "نخل") در تعریف نخل می‌گوید: نخل، یک اسکلت چوبی اتاق مانندی است که در ایام عزاداری دهه‌ی اول محرم و در آستانه‌ی روز عاشورا به وسیله‌ی پارچه‌های الوان، آینه، چراغ، شیشه‌های رنگی، چوب، فلز، و امثال آن تزیین میشود و در مراسم روز عاشورا، آن را از مکانی به مکان اصلی اجرای مراسم عزاداری حمل میکنند و این حمل، همراه با عزاداری و نوحه‌خوانی و شور و شیون است. به عبارت دیگر، نخل «حجله مانندی است که از چوب میسازند و با انواع شالهای ابریشمین رنگارنگ و پارچه‌های قیمتی و آینه و چراغ و غیره آرایش میدهند و به گل و سبزه می‌آرایند و در روز عاشورا آن را به محلی که مراسم روضه‌خوانی و تعزیه برپاست می‌برند».

نخل در ششتمد

طبق گفته‌ی افراد محلی نخل در ششتمد از زمانهای قدیم بوده است ولی متأسفانه سند مکتوبی در این زمینه وجود ندارد که اطلاعات لازم برای مشخص کردن دقیق تاریخ آن را فراهم کند. اما طبق گفته‌ی مصاحبه شونده‌گان، جنس اسکلت نخل چوبی بوده است و تقریباً بزرگ و سنگین و در چند دهه اخیر هر موقع که احتیاج به تعمیر داشته توسط یک نجار محلی به نام ملا ابراهیم صنعتی و بعد از ایشان فرزندشان رضا تعمیر می‌شده است. اما چند سال قبل که دیگر قابل تعمیر نبوده است، آن را با نخل آهنی جایگزین کرده‌اند. ابعاد نخل از دو شکل هندسی تشکیل شده است یک شکل مکعب مستطیل در پایین و یک مثلث در بالا. طول و عرض نخل در قسمت مکعب مستطیل آن 180×150 و در قسمت مثلثی بالای آن 180×100 طول $2/50$ سانتی متر، عرض $1/80$ سانتی متر، ارتفاع $1/5$ سانتی متر در قسمت مکعب مستطیل، طول $2/50$ سانتی متر، عرض، ارتفاع 100 در قسمت مثلثی آن می باشد (تصویر ۱). این کار نیز با همکاری سید جعفر علوی صورت گرفته است. اما در مورد بقایای نخل اظهار داشتند که چوبهایش را دور انداخته‌اند یا سوزانده‌اند. «[نخل] چوبی پوسیده شد و چوبهایش را انداختند و آتش زدند، آنها خیلی سنگین بودند»^۶. از خلال مصاحبه ها معلوم شد که عده ای نخل را نمادی از خانه امام حسین (ع) و عده ای آن را خانه اسرای واقعه عاشورا می دانند.



عکس شماره ۱- اسکلت آهنی نخل ششتمد، عکاس مهدی عسگری، عاشورای ۱۳۸۷

^۶. بهنقل از حسیناستادی، تابستان ۱۳۹۰.

مکان و زمان نخل آرایبی

آرامگاه ابوالحسن علی بن زید بیهقی معروف به ابن فندق، دانشمندی که در قرن‌های پنجم و ششم هجری می‌زیسته است، بر روی تپه‌ای در غرب ششتمد بنا شده است. این مکان بنا به گفته‌ی مصاحبه‌شوندگان از قدیم محل نگهداری و بستن و آراستن نخل بوده و هست. این مکان از قدیم مکان مقدسی محسوب می‌شده و احتمالاً به همین دلیل نخل آرایبی در این مکان صورت می‌گیرد. صبح روز عاشورا هنگامی که هنوز بیشتر مردم در خانه‌هایشان هستند تعدادی از مردان میان‌سال و جوان برای آراستن نخل در این مکان جمع می‌شوند و شروع به کار می‌کنند. در شروع کار هیچ زنی برای همکاری حضور ندارد. این مراسم در هر فصل سال که باشد چه در هوای گرم تابستان یا هوای سرد زمستان، صبح زود شروع می‌شود. در سال ۱۳۹۰ این مراسم با وجود سردی هوا در ساعت ۶:۴۰ شروع شد. البته آن‌طور که شواهد نشان می‌داد و آقای خالقی هم تأیید کردند، بخش کوچکی از کار را روز قبل انجام داده بودند و چند تکه پارچه سیاه و سبز به پایه‌های نخل پیچانده بودند.



عکس شماره ۲- مردان در حال نخل آرایبی، عکاس مهدی عسگری، عاشورای ۱۳۸۷

فعالیت‌ها

مسئولیت اصلی نخل آرایبی در ششتمد بر عهده خانواده اصغر خالقی می‌باشد که با همکاری همسرشان خانم زارع ششتمد و فرزندشان حسین و کمک سایر اهالی این مراسم صورت می‌گیرد. اما اسکلت نخل در طی سال کنار آرامگاه بیهق در مخروطه‌ای گذاشته شده است، و این موضوع از نکات تامل برانگیزی است که در تحقیقی مجزا می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. و افراد محلی نظر خاصی در این مورد نداشتند. ولی پارچه‌ها و ادوات

دیگری مانند زنگوله یا دَرای، عکس‌های ائمه و قطعه‌ی آهنی و چوبی دشنه‌مانندی که بر روی آن‌ها سیب و انار گذاشته می‌شود و صبح روز عاشورا توسط خانم زارع ششتمد همسر آقای خالقی (نخل بان) آماده و توسط مردان به محوطه بیهق که در فاصله‌ی چند صد متری از خانه‌شان می‌باشد انتقال داده می‌شود.

سپس اسکلت نخل را به محوطه‌ی بازی در بیرون آرامگاه بیهق می‌آورند و شروع به بستن و آراستن نخل می‌کنند. ابتدا ریسمان‌هایی را به دور میله‌های آهنی نخل پیچانده و این ریسمان‌ها را از داخل نخل عبور داده و به سمت دیگر آن می‌برند و بعد دَرای‌ها توسط آقای خالقی در بالای نخل بسته و آویزان می‌شوند. سپس پارچه‌هایی را دور تا دور به پایه‌های نخل می‌پیچانند که طبق گفته‌ی کسانی که این کار را انجام می‌دهند، برای این است که شانه‌های کسانی که بعداً نخل را برمی‌دارند زخم یا پوست نشود و اذیت نشوند. اما کار اصلی آرا کردن نخل که بستن پارچه‌ها به دور نخل و دوختن آن‌ها می‌باشد توسط خود آقای اصغر خالقی صورت می‌گیرد و سایر مردان نیز همکاری و کمک می‌کنند ولی زیر نظر آقای خالقی و در مواردی دیده شد که می‌خواستند پارچه‌ای را برای بستن به نخل یا پیچاندن به پایه‌های نخل انتخاب کنند، آقای اصغر خالقی یا فرزندشان حسین تأیید یا رد می‌کردند که این پارچه مناسب است یا نه. مراسم نخل‌آرایی حدود ۲ ساعت طول می‌کشد و کاری که تقریباً در این ۲ ساعت به طور مداوم صورت می‌گیرد پیچاندن پارچه به پایه‌های نخل و بستن پارچه به دور و بر نخل می‌باشد. تقریباً بیشتر مردانی که می‌آیند دور نخل، دستی در کار دارند البته عده‌ای هم هستند که فقط نظاره‌گرند. در مجموع می‌شود گفت افرادی که در این مراسم حضور پررنگی دارند افرادی هستند که در محله یا بافت قدیمی ششتمد که در همان حوالی پیرمزار یا آرامگاه بیهق ساکنند، برای این کار گرد هم می‌آیند.

نذر

در حین مراسم نخل‌آرایی که از صبح زود شروع می‌شود زنان میان‌سال یا کهن‌سالی که پارچه یا میوه نذری دارند نذر خود را می‌آورند و پس از تحویل آن به متولیان امر محل را ترک می‌کنند و بعضی زنان نیز برای کسانی که دور و بر نخل هستند چای، شیر یا صبحانه و تافتون می‌آورند. همه‌ی زنانی که دور نخل می‌آیند محل سکونت‌شان همان حوالی منطقه بیهق می‌باشد. از جمله کارهایی که معمولاً هر سال انجام می‌گیرد اسپندی است که می‌آورند و آن‌جا دود می‌کنند از حضور زنان جوان به ویژه دختران مجرد دور نخل اصلاً خبری نیست. البته لازم به یادآوری است که در حین بستن و آراستن نخل همسر آقای خالقی و همسر آقای علی استادی برای کمک کردن به دور نخل می‌آیند ولی این همکاری بیشتر از چند دقیقه انجام نمی‌گیرد. آن‌چه که مشاهده می‌شود این است که زنان در حاشیه و دور و بر نخل‌اند و در صورت لزوم از آن‌ها کار خواسته می‌شود. مثل

سوزن نخ کردن و دادن پارچه‌ها به مردان و آوردن چای و صبحانه و گرفتن نذرهای مانند پارچه و انار از مردم، ولی باز هم اکثر مواقع خود مردان سوزن را نخ می‌کنند.



عکس شماره ۳ - خانم زارع ششتمد (همسر نخل بند) در حال مشارکت در نخل آرایی

(آماده کردن نخ و سوزن)، عکاس مهدی عسگری عاشورای ۱۳۸۷



عکس شماره ۴- مراسم نخل آرایی در ششتمد عاشورای ۱۳۸۸، عکاس مهدی عسگری

از نوشیدنی‌ها و خوراکی‌هایی که پیرامون نخل می‌آورند فقط مردان می‌نوشند یا می‌خورند و زنان در حضور مردان چیزی نمی‌خورند. شاید به این دلیل که نوشیدن و خوردن مواد غذایی زنان در حضور مردان را زشت تلقی می‌کنند. در عاشورای ۱۳۹۰ یکی از اهالی خانم هاجر حسینی نان روغنی به شکل تافتون قدیمی درست کرده بودند و برای نخل‌آرایان آوردند. معمولاً نذرهای که توسط زنان آورده می‌شود توسط مردان بین

نخل آرایان گردانده می‌شود و آن‌طور که دیده شد برداشتن یا برنداشتن نذرهای دلبخواهی بود و تقریباً همه بر می‌داشتند. چای، شیر، شکلات، تافتون و اسپند، که در زبان محلی به اسپند، سبند "seband" می‌گویند، از جمله این موارد هستند. آن‌طور که از مردان و زنان سؤال شد و ایشان جواب دادند: چه در گذشته و چه امروز تقریباً وظیفه‌ی اصلی تهیه و نذر پارچه توسط زنان صورت می‌گرفته و می‌گیرد. اما آن‌طور که افراد محلی در حین مصاحبه بیان کردند در گذشته زنی به اسم فاطمه استادی در پای نخل گوش دخترها را سوراخ می‌کرده است و مقداری قند، نبات یا اندکی پول به عنوان شیرینی به ایشان می‌داده‌اند.

در مورد کودکان هیچ کودک دختر یا پسری در کمک به انجام این مراسم شرکت ندارد، فقط گاهی کودکانی برای مشاهده این مراسم می‌آیند.



عکس شماره ۵- کودکان و زنان نظاره‌گر مراسم نخل آرای، عکاس مهدی عسگری عاشورای ۱۳۸۸

در حین نخل‌گردانی بعضاً نوزادانی را می‌آوردند و به مردان می‌دادند تا ببرند کنار نخل و به مادران یا زنانی که آن‌ها را آورده بودند برگردانند. (نگاه کنید به عکس ۶) اما از نکات تأمل‌برانگیز عدم حضور دختران مجرد یا زنان جوان بود که اصلاً در حین مراسم نخل‌آرای و نخل‌گردانی پیرامون نخل دیده نمی‌شوند. در پایان مراسم نخل‌آرای نیز معمولاً با گوشی‌های تلفن همراه و دوربین‌های دیجیتال عکس‌های یادگاری گرفته می‌شود و البته این عکس‌ها بیشتر توسط مردان و از مردان گرفته می‌شود و گاه و بی‌گاه هم دختران کوچک و زنان از خود کنار نخل عکس می‌گیرند.



عکس شماره ۶- پدری نواز دوش را به کنار نخل آورده است. عکاس مهدی عسگری عاشورای ۱۳۹۰

نخل گردانی و نخل گردانان

هنگامی که دسته‌ی عزاداری از جلو حسینیه‌ی ابوالفضل ششتمد راه می‌افتد و به آرامگاه بیهق می‌رسند، نخل گردانان با صلوات بر محمد و آل محمد و لعنت بر شمر و یزید نخل را از زمین بلند و به روی شانه‌هایشان می‌گذارند و به راه می‌افتند. در ششتمد همه مردان بالغ می‌توانند در مراسم نخل گردانی شرکت کنند و فرد یا افراد خاصی مسئول این کار نیستند.



عکس شماره ۷- مراسم نخل گردانی در ششتمد. عکاس مهدی عسگری. عاشورای ۱۳۹۰

کم کم مردان جوان بیشتری می آیند پایه ی نخل را می گیرند، در مسیر هم چنان که نخل گردانان نخل را به روی شانه هایشان حمل می کنند، یک نفر زیر نخل می رود و شروع به خواندن اشعاری می کند این اشعار معمولاً از کتابی خوانده می شود و این نوحه سرایی بر عهده ی فرد خاصی نیست. به عنوان مثال آقای غلام حسین شعبانی در نخل گردانی (۱۳۹۰) اشعاری از کتابی که در دست داشتند، می خواند:

«خودم دیدم که صحرا لاله گون بود زمین از خون یاران غرق خون بود»

و نخل گردانان جواب می دادند: «حسین جانم، حسین جانم، حسین جان.»

«خودم دیدم فضای آسمان ها پر از انا الیه راجعون بود»

و باز نخل گردانان جواب می دادند: «حسین جانم، حسین جانم، حسین جان.»



عکس شماره ۸-نوحه سرایی داخل نخل، عکاس مهدی عسگری، عاشورای ۱۳۹۰

در مسیر نخل گردانی که از روی بیهق شروع می شود و از کنار قبرستان ششتمد می گذرد و در ادامه مسیر خیابان فرهنگ و مهر را به سمت حسینیه ی ابوالفضل طمی می کنند، چند بار نخل را بر زمین می گذارند و دور آن سینه می زنند و یک نفر با صدای بلند می گوید حسین حسین و دیگران جواب می دهند آقا حسین.



عکس شماره ۹- سینه زدن دور نخل، عکاس مهدی عسگری، عاشورای ۱۳۹۰

آیین نخل گردانی در متن مراسم روز عاشورا برگزار می‌شود و تا ظهر عاشورا ادامه دارد حدود ظهر موقع اذان که نخل گردانان، نخل را به جلو مسجد جامع آورده و روی زمین گذاشته‌اند و هیئت عزاداران مشغول سینه‌زنی و زنجیرزنی است. با بلند شدن صدای اذان عده‌ای به مسجد جامع برای گذاردن نماز و عده‌ای به حسینیه و مسجد امام حسین برای صرف ناهار می‌روند و تعدادی از مردان جوان نخل را به روی تپه‌ی بیهق که صبح همان روز در آن مکان آراسته شده بود بر می‌گردانند تا یکی یکی پارچه‌ها واچیده شود. ولی از جمعیت صبح خبری نیست و آقای خالقی به تنهایی این کار را انجام می‌دهند.

به طور کلی، حاصل تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق با ۱۰ نفر از افراد مطلع (۵ مرد و ۵ زن از اهالی شهر ششتمد) را می‌توان به شرح ذیل ارائه نمود که توصیف کننده‌ی خصوصیات اصلی مراسم نخل‌آرایی و نخل گردانی می‌باشد.

۱- از قدیم نخل‌آرایی کاری مردانه بوده است. زنان سوزن نخ می‌کردند. زنان دور و بر نخل نمی‌روند. حضور کم رنگ زنان آن هم به صورت انفرادی یا یکی دو نفری در پیرامون نخل یا همکاری در نخل‌آرایی به صورت سوزن نخ کردن یا دوختن پارچه‌های نخل در حضور و کنار شوهرشان و نیز زمان آمدن که معمولاً اول شروع به کار نخل‌آرایی نمی‌آیند و مدت زمان ایستادن که آن نیز به نسبت مردان کمتر است و فاصله زنان از نخل در مجموع بیشتر از مردان است و نیز کمتر از مردان به نخل نزدیک می‌شوند و بیشتر از دور نظاره‌گر نخل‌آرایی توسط مردان می‌باشند. همه حاکی از این است که نخل‌آرایی امری مردانه است.

۲- پارچه‌ها بیشتر سبز، قرمز، آبی و رنگارنگ بوده و نوشته داشته است. یکی از نکات مهم بدست آمده، تنوع رنگ پارچه‌های مورد استفاده در نخل‌آرایی می‌باشد. آنچه به نظر مردم محلی علت این رنگارنگی می‌توانست

باشد، زیبا و قشنگ بودن بیان می‌شد و این نگاه زیبا به آیینی که برای سوگواری برگزار می‌شود، از نکات قابل تاملی است که جایگاه و نقش زنان را بیشتر بازنمایی می‌کند.

۳- از جمله کارهای زنانه پای نخل سوراخ کردن گوش دختران توسط فاطمه استادی بوده است که به عقیده‌ی مردم محل دستش سبک بوده و زخم‌ها زود خوب می‌شده‌اند. بعد از فوت ایشان دیگر انجام نمی‌گیرد.

۴- در گذشته زنان تافتون درست می‌کردند و به نخل‌آرایان می‌دادند، دو سالی است احیا شده است. حضور زنان در امر نخل‌آرایی متفاوت از مردان می‌باشد و بیشتر کمک کار مردان تلقی می‌شوند و همان‌طور که در خانه برای اعضای خانواده غذا آماده می‌کنند در این‌جا نیز مواد غذایی تدارک می‌بینند و از جمله این مواد غذایی نان تافتون می‌باشد که از قدیم بوده و مدتی انجام نمی‌شد ولی در سه سال اخیر ۸۹-۹۰-۹۱ دوباره انجام می‌گیرد.

۵- از نظر مردان و زنان محلی جایگاه زنان در امر نخل‌آرایی طوری است یا نمی‌آیند یا برای کارهای ساده‌ای مثل سوزن نخ کردن می‌آیند و نذر و ندوراتی مانند میوه و تافتون و صبحانه و شیر و چای.

۶- نذر امری زنانه است و زنان برای نذر دور نخل می‌آیند. مصاحبه‌ها و مشاهدات حاکی از آن است که نذر فعالیت زنانه است و زنان در مجموع برای همین کار دور و بر نخل می‌آیند.

۷- از دیگر مقولات جالب و قابل تامل تغییر و تعویض رده‌ی سنی نخل‌گردانان می‌باشد که از کهن‌سالان و میان‌سال به جوانان واگذار شده است. در گذشته پیرمردان و مردان میان‌سالان نخل‌گردانان بودند، امروزه بیشتر مردان جوان نخل‌گردان‌اند.

برداشت و تفسیر

نخل اولین عنصر از عناصر مراسم عاشورا است که صبح زود آراسته می‌شود و تقریباً آخرین آن‌هاست که برچیده می‌شود. این پیچیده شدن و واچیده شدن پارچه‌ها، پارچه‌های کهنه و رنگ و رو رفته در زیر و پارچه‌های قشنگ و خوشگل و نو-نوا و رنگ و رو دار در رو حرف‌های بسیاری با ما می‌زند که حکایت از نمایش شکوهی است که نخل‌آرایان به عنوان نمایندگان جامعه برای نخلی که وقتی بر سر دست‌ها بلند می‌شود و بر روی شانه‌ها گذاشته می‌شود و در متن مراسم و جمعیت گرداننده می‌شود، قائل‌اند همه‌ی تلاش خود را می‌کنند تا بهترین پارچه‌های هدیه شده را به نمایش بگذارند. پارچه‌های رنگارنگی که همگام با میوه‌ها و گل‌های پلاستیکی با رنگ‌های متنوع نهاده شده بر بالاترین قسمت‌های عقبی و جلوی نخل می‌تواند یادآور جهان مینوی باشد و سیب میوه‌ی بهشتی و انار میوه‌ای که وحدت را در عینکثرت دارد.

این پارچه‌ها که با نخ و سوزن به هم دوخته می‌شوند و ریسمانی که ظاهراً دیگر لزومی به استفاده‌اش نیست انگار می‌خواهند اسکلت جامعه را به هم ببندند و اعضای جامعه را به هم بدوزند تا یکپارچگی‌شان را حفظ کنند و با صدای درای‌های آویزان شده به آن آهنگ حرکت و پویایی جامعه را به گوش همگان برسانند. جامعه‌ای که بر دوش مردان خود سوار است و این مردان جامعه‌اند که علی‌رغم این که کار دوخت و دوز با زنان است دوختن پارچه‌های نخل را بر عهده می‌گیرند. در جامعه‌ای که تمایز کار زنانه از مردانه کاملاً هویداست و انجام کار زنانه برای مردان تقریباً می‌شود گفت کسر شأن است اما در عرصه‌ی نمایش اجتماع و قدرت جامعه این مردان‌اند که همه‌ی کار را بر عهده می‌گیرند حتی دوخت و دوز و حضور کم‌رنگ زنان و پررنگ مردان نشان از مردانه بودن نخل‌آرایی و نخل‌گردانی می‌باشد.

این امر در بیشتر قسمت‌های این تحقیق خود را آشکار می‌سازد. این که در گذشته این مردان بوده‌اند که برای تهیه‌ی پارچه بین مردم می‌رفته‌اند و البته خانواده‌ها به ویژه زنان، پارچه‌ها را اهدا می‌کرده‌اند و هم‌چنین میوه‌ها را و انگار دهش و بخشش امری زنانه و گرفتن و بنا کردن امری مردانه است.

نتیجه

هدف ما در این پژوهش بررسی فرایند مراسم نخل‌بندی و نخل‌گردانی در شهر ششتمد و چگونگی انجام این آیینو درک اشخاص بومی به جا آورنده این آیین از این مراسم بود. بدین منظور و با هدف شناخت عمیق‌تر آیین نخل‌آرایی و نخل‌گردانی، از روش‌های مردم‌نگاری با تکنیک‌های مشاهده مستقیم و مصاحبه‌ی عمیق و هم‌چنین از اطلاعات ذخیره شده توسط افراد محلی برای کمتر شدن خطاها استفاده شده است و جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش نظریه‌ی مبنایی و مردم‌نگاری تفسیری استفاده شده است. در پژوهش حاضر در بحث مفهومی به مرور اندیشه گیرتز پرداخته شده است.

آنچه که از سال ۱۳۸۷ به طور مرتب در این مراسم دیده شده است و زنان و مردان محل به کرات بیان می‌کنند، نخل‌آرایی و نخل‌گردانی عملی مردانه است که در گذشته بیشتر توسط میان‌سالان یا همان میان‌مردها و پیرمردها انجام می‌گرفته است، ولی امروزه در نخل‌آرایی پای مردان جوان هم باز شده و نخل‌گردانی را هم بیشتر مردان جوان انجام می‌دهند.

چه در گذشته و چه امروز تقریباً وظیفه‌ی اصلی تهیه و نذر پارچه توسط زنان صورت می‌گرفته و می‌گیرد. اما در نخل‌آرایی فقط هر از گاهی، زنانی که شوهرشان هم پیرامون نخل هستند می‌آیند و سوزن نخ می‌کنند یا پارچه‌ها را با سنجاق به هم می‌زنند که البته در این چند سال فقط یک زن (همسر یکی از اعضای اصلی

دست‌اندرکار نخل‌آرایی) در کار نخل‌آرایی مشارکت دارد و در مراسم نخل‌گردانی چه در گذشته چه امروز هیچ زنی برای برداشتن نخل دور و بر نخل نه می‌آمده‌اند و نه می‌آید. از دیگر نکات قابل توجه این است که از نوشیدنی‌ها و خوراکی‌هایی که پیرامون نخل می‌آورند فقط مردان می‌نوشند یا می‌خورند و زنان در حضور مردان چیزی نمی‌خورند.

در مورد کودکان هیچ کودک دختر یا پسری در این مراسم شرکت ندارد، فقط گاهی دختران خردسالی برای مشاهده‌ی این مراسم می‌آیند و از نکات جالب دختر بچه‌هایی بودند که گوشی‌های تلفن همراه دستشان بود و از نخل عکس می‌گرفتند و هیچ پسر بچه‌ای دیده نشد. البته در حین نخل‌گردانی بعضاً نوزادانی را می‌آوردند و به مردان می‌دادند تا ببرند کنار نخل و به مادران یا زنانی که آن‌ها را آورده بودند برمی‌گردانند. اما از نکات تأمل‌برانگیز عدم حضور دختران مجرد یا زنان جوان بود که اصلاً در حین مراسم نخل‌آرایی و نخل‌گردانی پیرامون نخل دیده نمی‌شوند.

مراسم نخل‌آرایی در اصل مسؤولیتی است که در تمام سال وجود دارد ولی در مکان و زمان مشخصی متجلی می‌شود. خود نخل که در کنار آرامگاه بی‌هق گذاشته شده است. ولی پارچه‌ها و ادوات دیگری مانند زنگوله یا دَرای، عکس‌های ائمه و قطعه‌ی آهنی و چوبی خنجرمانندی که بر روی آن‌ها سیب و انار گذاشته می‌شود، این میوه‌های نذری را اهدا کنندگان بعد از اتمام نخل‌گردانی تحویل می‌گیرند و بین اعضای خانواده خود تقسیم می‌کنند. این لوازم صبح روز عاشورا توسط خانم زارع ششتمد همسر آقای خالقی آماده و توسط مردان به روی بی‌هق که در فاصله‌ی چند صد متری از خانه‌شان می‌باشد انتقال داده می‌شود. همه‌ی اشیاء و لوازمی که در مراسم نخل‌آرایی یا همان آرا کردن نخل به کار می‌رود، عبارتند از: اسکلت آهنی نخل، ریسمان پنبه‌ای، دَرای یا همان زنگوله‌ی فلزی، پارچه‌های رنگارنگ که شامل چندین رنگ سبز، آبی (نقرآبی)، قرمز، زرد، سفید، سیاه در طرح‌ها و اندازه‌های مختلف اند، نخ، سوزن و سنجاق، تیغه‌ی فلزی و چوبی، گل پلاستیکی و میوه (انار).

مراسم نخل‌آرایی حدود ۲ ساعت طول می‌کشد و کاری که تقریباً در این ۲ ساعت به طور مداوم صورت می‌گیرد پیچاندن پارچه به پایه‌های نخل و بستن پارچه به دور تا دور نخل می‌باشد. تقریباً بیشتر مردانی که می‌آیند دُور نخل، دستی در کار دارند البته عده‌ای هم هستند که فقط نظاره‌گرند. در حین مراسم نخل‌آرایی که از صبح زود شروع می‌شود زنان میان‌سالی یا کهن‌سالی که پارچه یا میوه نذری دارند می‌آورند و آن را می‌دهند و سریع می‌روند و محل را ترک می‌کنند. همان‌طور که اشاره شد بعضی زنان نیز برای کسانی که دور و بر نخل

هستند چای، شیر یا صبحانه و تافتون می‌آورند. همه‌ی زنانی که دور نخل می‌آیند محل سکونت‌شان همان حوالی منطقه‌ی بیهق می‌باشد.

منابع

۱. بلوکباشی، علی (۱۳۸۰). *نخل‌گردانی، نمایش تمثیلی از جاودانگی حیات شهیدان*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲. حصوری، علی (۱۳۷۸). سیاووشان. تهران: نشر چشمه.
۳. دهخدا، محمد (۱۳۴۱). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
۴. ربویر، کلود (۱۳۸۱). *درآمدی بر انسان‌شناسی*. ناصر فکوهی. تهران: نشر نی.
۵. سعیدی، محمدحسن (۱۳۸۶). *مردم‌شناسی مراسم آیینی*، پژوهشی در مراسم نخل‌گردانی. آشتیان: دانشگاه آزاد اسلامی.
۶. فکوهی، ناصر (۱۳۸۱). *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*. تهران: نشر نی.
۷. ----- (۱۳۸۶). "نگاهی بر رویکرد تفسیری کلیفورد گیرتز با تاکید بر تفسیر او از پدیده‌ی دینی". *فصلنامه‌ی علوم اجتماعی*، سال چهاردهم، ش ۳۱ (پاییز): ۱۰۳-۱۲۵.
۸. محمدپور، احمد؛ ایمان، محمد تقی (۱۳۸۷). فصل نامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۸.
۹. همیلتون، ملکم (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی دین*. محسن ثلاثی. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.